

ف ف

بَرَف - کِیْف - آفتابی - دَفْتَر - فَرزانه - فانوس - کَفَش - آدَم بَرَفی

فَرِشته

آزاده کَفَشِ زِمِستانی می پوشد.

او آدَم بَرَفی دُرُست می کُند.

بَرَف می بارَد.

آسمان آفتابی نیست.

آدَم بَرَفی کِیْف و کَفَش نَدارَد.

فَرزانه و فَرِشته آدَم بَرَفی دُرُست می کُند.

واژه، عبارت و جمله های جدید

کَف - پُف - فَرَش - فِکَر - نَفْت - سِفْت

فارسی - سُفَره - سِفید - پُفک - آفتاب - سَفَر - مُفید - کوفته - نَفَر